

بررسی عملکرد سازمان بازرسی شاهنشاهی در دوره اول حیات سازمان (۱۳۵۱-۱۳۳۷ش)

دکتر حسن زندیه استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران
مسعود آدینه‌وند دانشجوی دوره دکتری تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین

چکیده

تعدد و تکثر نهادهای اطلاعاتی و مراجع نظارتی، از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت پهلوی دوم بود که این امر از ترس و نگرانی وی از بروز مخالفت‌های داخلی نشأت می‌گرفت. بازرسی شاهنشاهی به عنوان یک سازمان اطلاعاتی-امنیتی در نتیجه شرایط داخلی کشور در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش. در اواخر دهه سی ایجاد شده و با یک وقفه چند ساله و تأسیس مجدد در ۱۳۴۷ش. تا آخر عمر رژیم پهلوی برقرار بود. حیات این سازمان به دو دوره مشخص تقسیم می‌شود؛ دوره اول زیر نظر سپهبد یزدان‌پناه و دوره دوم تحت ریاست ارتشبد حسین فردوست. سازمان در زمان ریاست یزدان‌پناه (۱۳۵۱-۱۳۳۷ش.) برای اطلاع از وضعیت داخلی کشور و مبارزه با مشکلاتی چون فساد اداری و کارشکنی مقامات، نظارت بر فعالیت دیگر نهادهای امنیتی به فعالیت پرداخت و گزارش‌های زیادی تهیه نمود؛ ولی در نهایت سودمندی زیادی برای حکومت پهلوی نداشت و نتوانست آرزوهای محمدرضاشاه را برآورده کند. بر این مبنا پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از روش تحلیل تاریخی، و بر پایه منابع اسنادی و کتابخانه‌ای عملکرد (اقدامات و حوزه فعالیت) سازمان بازرسی شاهنشاهی و نتایج و پیامدهای آن در دوره اول را بررسی کند.

واژگان کلیدی: سازمان بازرسی شاهنشاهی، سپهبد مرتضی یزدان‌پناه، پهلوی دوم، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش، نهاد بازرسی.

مقدمه

بهره‌گیری از نهادهای کنترل‌گر از سوی شاهان در هر زمان، یکی از سیاست‌های اصلی حاکمان بوده و می‌باشد. در این راستا پهلوی دوم نیز در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش. که قدرت واقعی خود را آغاز نمود، سعی کرد همچون دیگر کشورهای مدرن دنیا، از سازمانی جدید جهت اطلاع و اشراف بر کشور و قسمت‌های مختلف حکومت استفاده نماید و در ادامه همین روند بود که دست به ایجاد سازمان بازرسی شاهنشاهی زد. این سازمان هم یک رکن جاسوسی بود و هم اینکه یک سازمان نظامی همچون ساواک به‌شمار می‌رفت و دست آن برای مداخله در هر کاری باز بود. طول عمر این سازمان را می‌شود به دو دوره تقسیم کرد؛ دوره اول زیر نظر یزدان‌پناه و دوره دوم به ریاست حسین فردوست که در اینجا دوره اول مدنظر می‌باشد. سازمان با مسائل اصلی کشور سر و کار داشت و پُست حساسی بود که باید آنرا به یک فرد مورد اعتماد و با سابقه خدمت به رژیم و خاندان سلطنتی، واگذار می‌کرد؛ این بود که سپهبد مرتضی قلیخان یزدان‌پناه را به ریاست سازمان برگزیده شد.

بازرسی شاهنشاهی زیر نظر یزدان‌پناه بیش از یک دهه فعالیت داشته و در این مدت از طریق بازرسان و گزارش‌های آنان در جریان بسیاری از مسائل داخلی کشور و نارسایی‌ها و نقاط ضعف آن قرار گرفت. از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۱ ش. و پس از یک وقفه شش ساله از ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱ ش. این سازمان با اعزام هیئت‌های خود به نقاط مختلف به تهیه گزارش‌های فراوانی پرداخت که امروزه در مراکز اسنادی بایگانی شده‌اند و بازخوانی آنها از عملکرد سازمان و اقداماتی که در این سال‌ها انجام داده است، پرده برمی‌دارد. اقداماتی چون رسیدگی به شکایات، نظارت بر کار ادارات مختلف کشور، بررسی نتایج برنامه‌های عمرانی و توسعه دولتی، ارائه آمار و ارقام پیرامون هزینه‌های دولتی و... در اواخر عمر رژیم، که تبلیغات تمدن و پیشرفت کشور در مجامع رسمی به گوش می‌رسید، بازرسان بیشتر به شرح ترقیات کشور می‌پرداختند؛ البته در خیلی از موارد از معضلات کشور پرده برداشته و بی‌پایه بودن بسیاری از تبلیغات را عیان کردند؛ بهترین مصداق این استدلال انباری از عرایض و شکایات واصله به سازمان بوده که امروزه در مراکز آرشیوی بایگانی شده‌اند.

درباره ساختار اداری دوره پهلوی و سازمان‌های مختلف کشور همچون ساواک، ارتش، ژاندارمری و... تاکنون کتاب‌ها و مقالات زیادی نوشته شده؛ اما عملکرد و کارکرد سازمان بازرسی

شاهنشاهی، در دوره اول (۱۳۵۱-۱۳۳۷ش)، تاکنون در مقاله مستقلی بررسی نشده است و ماهیت و کارکرد این سازمان از نظر محققان پنهان مانده است. حسین یکرنگیان در کتاب سیری در تاریخ شاهنشاهی ایران فصلی را به معرفی این سازمان اختصاص داده و در مقالاتی جزئی در مجله "خواندنی‌ها" نیز اشارات پراکنده‌ای در باب سازمان فوق‌الذکر موجود است؛ باین‌حال بازرسی شاهنشاهی به‌عنوان سازمانی مخفیانه آن‌طور که باید و شاید مورد بررسی و واکاوی همه‌جانبه قرار نگرفته است. در این مقاله علاوه بر اسناد مختلف بازخوانی نشده در مراکز آرشیوی، مذاکرات مجلس، مجموعه قوانین، از کتب خاطرات، تحقیقات معتبر قدیمی و جدید استفاده شده است. بر این اساس، نوشتار حاضر می‌کوشد با تکیه بر روش تحلیل تاریخی ضمن اشاره به تأسیس سازمان بازرسی شاهنشاهی و ترسیم فضای امنیتی دهه ۱۳۳۰ش. وضعیت نظام اداری کشور را به بحث گذارده و پاسخگوی چند سؤال مهم می‌باشد: بازرسی شاهنشاهی چه عملکردی در راستای تحقق اهداف و انجام وظایف خود داشت؟ اقدامات این سازمان در دور اول (ریاست یزدان‌پناه) چه تأثیری در ساختار اداری کشور به جا گذاشت؟ زمینه‌های تأسیس سازمان بازرسی در اواخر دهه سی و چهل چه بوده است؟ براساس فرضیه نویسنده، سازمان بازرسی شاهنشاهی در واقع مولود و زاییده شرایط کشور بعد از کودتای سیا و امنیتی کردن جو کشور بوده است و جهت جلوگیری از تکرار ضعف خاندان سلطنت، رژیم و شاه و با هدف نظارت همه‌جانبه بر کشور، نظارت بر کار مدیران، مقامات و اطلاع از نحوه مدیریت کشور به‌وجود آورد.

زندگینامه مرتضی یزدان‌پناه (اولین رئیس بازرسی شاهنشاهی)

مرتضی‌قلی‌خان یزدان‌پناه متولد سال ۱۲۷۰ش. در منطقه سردشت بود که پس از گذراندن مراحل مقدماتی، در سال ۱۲۸۶ش. به مدرسه قزاق وارد شده و زبان روسی را فرا گرفت (غنی، ۱۳۷۷: ۲۲۰) و در سال ۱۲۹۹ش. در قزاقخانه به درجه سرهنگی نائل آمد؛ پس از آن به جرگه خادمان و طرفداران خاندان پهلوی درآمد و بیش از ۵۰ سال از عمر خود را در خدمت حکومت پهلوی گذراند. در این مدت، شاهان این سلسله با توجه به اعتمادی که به صداقت و وفاداری او داشتند، پُست‌ها و مقامات متعددی به او محول نمودند؛ زیرا او در مدت خدمت خود همواره مورد اعتماد شاهان پهلوی بود (الموتی، ۱۳۶۹: ۹۰/۲-۳۸۹). یزدان‌پناه بعد از کودتای رضاخان برای

تثبیت حکومت پهلوی و توجیه حضور سردار سپه، تلاش زیادی انجام داد و در جریان تغییر سلطنت از قاجار به پهلوی، نیز فعالیت داشت. او در عرصه تبلیغات بر ضد قاجاریه فعال بود و اعتقاد داشت که در این زمان شکی نیست که تنها راه تغییر سلسله، ایجاد حکومت جمهوری است (2004: Atabaki, Zurche and 145). در مقابل او نیز مورد توجه سردار سپه بوده و به خوبی متوجه پشتیبانی‌های این فرد نظامی و همکار قدیمی‌اش شده بود. سیروس غنی اذعان داشته: «پس از رأی مجلس به تأسیس سلطنت پهلوی چند تن از افسران عالی‌رتبه از جمله مرتضی قلی‌خان یزدان‌پناه، فرمانده لشکر مرکز [پایتخت]، قصرهای سلطنتی تهران را از قاجار تحویل گرفتند» (غنی، همان، ۳۹۶).

بنابراین یزدان‌پناه به نوبه خود در روی کار آمدن و تأسیس سلسله پهلوی نقش داشت. او در جریان خلع قاجاریه و تبعید محمدحسن میرزا ولیعهد از ایران، از جمله کسانی بود که خاندان قاجاریه را دشنام داد و بد و بی‌راه گفت و اهانت کرد (خواندنی‌ها، سال ۳، شماره ۶، ص ۷). لذا به پاس خدمات خود به درجه سرلشکری و بلافاصله پس از ورود به تهران به مقام سرتیپی ارتقا یافت و تمام تلاش خود را برای استقرار و ثبات قدرت رضاخان به کار برد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج ۹: ۱۳۷۸، ۱۷۳). این ترفیع رتبه‌ها و بالا آمدن صرف نظر از احتیاج، اعتماد و اطمینان سردار سپه به یزدان‌پناه تا حد زیادی ناشی از توانمندی، استعداد و لیاقت نظامی شخص او می‌باشد. یزدان‌پناه در جریان تاجگذاری رضاشاه در اردیبهشت ۱۳۰۵ ش. با مقام فرماندهی لشکر مرکز و ژنرال آجودان در سمت چپ تخت پهلوی قرار گرفت (بهبودی، همان: ۴-۲۸۳). بنابراین او از جمله مقربان به رضاشاه بوده و معاون و بازرس ویژه رضاخان نیز بود (فرخ، ۱۳۴۷: ۷۰-۶۹). این سابقه خدمت به پهلوی اول، باعث خوشنامی او در عصر پهلوی دوم و توجه محمدرضاشاه به او شد. عقاید نظامی او و نیز سطح تحصیلاتش بسیار محدود بوده و با اینکه زبان روسی می‌دانست؛ ولی از بیگانگان کناره می‌گرفت و مخالف سرسخت دخالت خارجی‌ان در ایران بود (کرونین، ۱۳۷۷: ۲۳۷). با چنین سابقه و موضعی بود که در عصر محمدرضاشاه نیز مقام و موقعیت خود را حفظ نمود.

سن او در هنگام مرگ تقریباً ۸۰ سال بود، یعنی بیش از نیمی از عمر خود را صرف خدمت به پهلوی در پُست‌ها و مسئولیت‌های مختلف گذراند؛ او در این مدت سعی بر آن داشت که وظایف خود را به بهترین نحو انجام دهد. زندگی‌نامه وی در ارتباط با اقداماتی که در حیات خود داشته، نشان می‌دهد که مسئولیت‌ها و پُست‌های زیادی داشت است، از جمله: بازرس کل پیاده‌نظام، رئیس

ستاد ارتش، فرمانده دانشکده افسری، وزیر راه، رئیس بازرسی شاهنشاهی و... (کرونین، ۱۳۸۷: ۴۳۷). یزدان‌پناه در دوره پهلوی از جمله افرادی بود که در راه انجام وظیفه و ایفای نقش در مسئولیت‌های خود، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کرد و از جمله دولت‌مردانی بود که کمتر به فساد آلوده شده بود. در این مدت مسئولیت‌های زیادی را قبول کرد که مهم‌ترین آنها ریاست بر سازمان بازرسی شاهنشاهی بود که از ابتدا تا سال درگذشتش (۱۳۵۱ش.) آنرا بر عهده داشت.

فضای امنیتی دهه ۱۳۳۰ش. و تأسیس سازمان بازرسی شاهنشاهی

وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش. رویدادی بس مهم در حکومت پهلوی بود که اولین برآیند آن قدرت‌گیری و احیای سلطنت پهلوی به شمار می‌رود؛ بنابراین از مهم‌ترین و حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران، دهه ۱۳۳۰ش. می‌باشد که پس از یک دروه گذار در سلطنت پهلوی، نوید دهنده مرحله جدیدی در تاریخ این سلسله به شمار می‌رفت. آغازگر این دهه کودتای ضد مصدق بود که می‌توان آن را مرز بین ضعف و قدرت پهلوی دوم به حساب آورد. درباب این رویداد بزرگ نظرات متفاوت و متضادی ارائه شده است؛ محققانی چون آبراهامیان و ذبیح، بر نقش عوامل داخلی (اشتباهات دکتر مصدق و یا تقویت روز افزون محافظه‌کاران مخالف و...) تأکید و کسانی همچون گازیوروسکی به عناصر خارجی به‌ویژه آمریکا در وقوع آن اذعان کرده‌اند و معدودی از صاحب‌نظران مانند کدی و کاتوزیان بر اهمیت هر دو عامل تأکید ورزیده‌اند (فوران، ۱۳۸۸: ۴۳۸). بنابراین بهتر است گفته شود این رویداد نتیجه همکاری عوامل داخلی و خارجی بود.

محمدرضاشاه بلافاصله بعد از این حادثه با کشورهای خارجی رابطه برقرار نمود و با افزایش نفوذ آنها برای سلطه هر چه بیشتر بر کشور تلاش کرد. بهترین سمبل این تلاش، تأسیس ساواک بود که در نتیجه همکاری‌های اطلاعاتی با این کشورها و به پیشنهاد آنها صورت گرفت. لایحه تصویب شده مجلس سنا در بهمن ۱۳۳۵ش. به کمیسیون دادگستری و از آنجا به مجلس شورای ملی ارائه و در تاریخ ۱۳۳۵/۱۲/۲۳ش. تصویب شد (مرکز اسناد ملی، ش. بازبایی ندارد، شماره سند ۲۹۳/۲۷۰۱). لزوم شناسایی و حذف مخالفان داخلی (کمونیست‌ها و طرفداران جبهه ملی)، شاه را بیشتر به غرب نزدیک می‌کرد. دو سازمان خارجی که با ساواک همکاری کردند، سیا و موساد بودند و اگر ساواک می‌خواست «چشم و گوش» (۱) شاه باشد، مغز آن بدون شک آمریکا خواهد بود

(فاروقی و لورویه، ۱۳۵۸: ۱۴۳). بنابراین نزدیکی به غرب و یاری آنها، رژیم را بیشتر تحریک می‌کرد که تسلط بیشتری بر جامعه داشته باشد؛ جامعه‌ای که در عناصر چپ و گروه‌های وابسته به جبهه ملی و طرفدار مصدق نیز در آن قرار داشتند. ذکر این موارد به‌خوبی نشان می‌دهد که فضای امنیتی کشور بعد از کودتا، با دهه قبل از آن تفاوت داشت و تأسیس سازمان بازرسی شاهنشاهی نیز در این راستا قابل پیگیری است.

محمدرضاشاه بعد از کودتا، قدرت و اقداماتش را از جایی که پدرش در ۱۳۲۰ ش. متوقف کرده بود، ادامه داده (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۲۲۵) و سعی نمود قدرتی همچون پدرش به‌دست آورد و بر اوضاع داخلی مسلط شود؛ بنابراین یکی از راه‌های تحقق این مهم را ایجاد سازمان‌های کنترل‌گر می‌دانست. تغییراتی که در دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی رخ داده بود به سمت ایجاد یک نظام اطلاعاتی پیش رفت، که به‌عنوان ابزاری برای تثبیت عمر رژیم مورد استفاده قرار گرفت (فردوست، ۱۳۸۶: ۳۹۳/۱). در واقع شاه از ۱۳۳۵ ش. به بعد می‌خواست، بی سرو صدا و هر چه بیشتر قدرت کشور را در دست خود بگیرد و صدای قدرتمندتری در سیاست و کارهای مملکت داشته باشد؛ گرچه تا این زمان ساواک را جایگزین سرویس‌های امنیتی-اطلاعاتی قدیمی کرده بود (لاینگ، ۱۳۷۱: ۲۲۱)، با این حال او این ارگان را کافی نمی‌دانست و برای نظارت و کنترل بیشتر و اطلاع از گوشه و کنار کشور، دائماً بر وسعت این قبیل سازمان‌ها می‌افزود و در چنین شرایطی بود که سازمان بازرسی شاهنشاهی را - به‌عنوان یکی دیگر از آخرین حلقه‌های زنجیره سازمان‌های نظامی و امنیتی رژیم - تأسیس کرد.

به‌هر حال بازرسی شاهنشاهی که با افزایش قدرت شاه و توسعه مداخله‌های او در عرصه‌های مختلف ایجاد شده بود، یکی از سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی بشمار می‌رفت که شاه در سال ۱۳۳۷ ش. یک سال پس از ایجاد ساواک و به دنبال کودتای نافرجام ژنرال ولی اله قره‌نی برای نظارت نیروهای نظامی و انتظامی و جلوگیری از نطفه‌بندی توطئه‌های دیگر (هلیدی، ۱۳۵۸: ۸۵)، تأسیس کرد. این سازمان تقلیدی از هیئت تفتیشیه عصر رضاشاه بود که زیر نظر افسران قرار داشت (عاقلی، ۱۳۷۴: ۱۰۳۷) در اواسط سال ۱۳۳۷ ش. شاه فرمان تشکیل سازمان را با این مضمون صادر نمود: «به‌منظور رسیدگی به شکایات مردم از ادارات و دوائر و مأمورین دولتی اعم از کشوری و لشکری و قضائی و همچنین شهرداری‌ها و بنگاه‌های عمومی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولتست لازم می‌دانیم سازمانی بنام سازمان بازرسی شاهنشاهی تشکیل شود تا به-

عرایض و شکایاتی که به‌ما می‌رسد در اسرع اوقات رسیدگی و نتیجه را از نظر ما بگذرانند» (اساسنامه و آئین‌نامه سازمان بازرسی شاهنشاهی، ۱۳۳۹. فرمان همایونی مندرج در اساسنامه).

طول عمر این سازمان ۲۰ سال بود و از ابتدا تا انقلاب دو مرحله را پشت سر گذاشت. مرحله اول از ۱۳۳۷ش. تا زمان نخست‌وزیری دکتر علی امینی (۱۳۴۰ش.) که هم به‌خاطر آنکه مبنای قانونی نداشت و هم اینکه چون او برنامه مبارزه با فساد و اجرای صرفه‌جویی عمومی را در سرلوحه اقداماتش قرار داده بود، ناچاراً این سازمان را - که یک هزینه اضافی و تحمیلی به کشور می‌دانست و اینکه سازمان در انجام وظایفش (از حذف فساد)، موفقیت چندانی نداشته - منحل کرد. از این به بعد تا سال ۱۳۴۷ش. که دوباره سازمان مذکور گشایش یافت، با یک وقفه مواجه شد. در این سال‌ها وزارت دادگستری به‌عنوان مرجعی برای رسیدگی به شکایات و از بین بردن فساد و جلوگیری از ظلم به مردم و... برقرار بود. دور دوم تأسیس سازمان مذکور از اردیبهشت سال ۱۳۴۷ش. آغاز شد و تا آستانه انقلاب اسلامی یعنی دی‌ماه ۱۳۵۷ش. فعالیت داشت.

این سازمان، در کابینه اقبال به‌وجود آمد. به دنبال این فرمان در اواخر مهر ماه سال ۱۳۳۷ش. سازمان بازرسی شاهنشاهی تأسیس شد (روزنامه اطلاعات، سال سی و سوم، شماره ۹۷۴۳، چهارشنبه، ۳۷/۴/۳۰، ص ۱) و کمی بعد اساسنامه و آئین‌نامه سازمان نوشته شد که هیئت وزراء، مواد چندگانه‌ای از آنرا در تاریخ ۳۷/۸/۲۸ تصویب نمودند (اساسنامه سازمان بازرسی شاهنشاهی، فصل اول، ص ۳). اساسنامه سازمان شامل ۸ ماده بود، که در تاریخ ۱۳۳۷/۹/۲ تنظیم شد (آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی ندارد، شماره سند ۴۰۹/۹/۱، صص ۸-۱). در مجلس شورای ملی نیز بین نمایندگان مذاکراتی در این باره صورت گرفت و اکثراً آنرا ضروری می‌دانستند که در شهرها مسئولین سرخود عمل نکنند. ارسال خلعتبری (از نمایندگان مجلس ملی) بعد از ذکر لایحه‌ای در باب عدم امنیت داخلی و مبارزه با اقداماتی همچون اسیدپاشی ابراز نمود: «باید دستگاهی برای رسیدگی به اینکارها باشد که در هر گوشه ایران هر کس تجاوز کرد فوراً رسیدگی شود. حالا عرض کردم که الآن برای جلوگیری از تجاوزات یک دستگاهی درست شده به نام دستگاه بازرسی شاهنشاهی؛ چرا این دستگاه را درست کردند؟ بس که مراجعه و شکایت به اعلیحضرت همایونی کردند، اعلیحضرت به ستوه آمدند یک دستگاهی درست کردند که ببینند چرا مردم اینقدر شاکی هستند؟ و...» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، اظهارات آقای خلعتبری،

دوره ۱۹، جلسه ۲۶۹، ص ۲۶۹). ازینرو لزوم برقراری امنیت بیشتر در جامعه و نظارت بر اوضاع اجتماعی از جمله انگیزه‌هایی بود که برخی از نمایندگان بر تأسیس این سازمان امنیتی تأکید می‌کردند.

ریاست سازمان بازرسی شاهنشاهی

مهم‌ترین قسمت این سازمان، ریاست آن بود. بازرسی شاهنشاهی در واقع سازمانی محدود با کارکنانی اندک بود که از رئیس آن دستور می‌گرفتند و تحت فرمان او قرار داشتند و نامه‌های مربوط به این سازمان، معمولاً بنام رئیس نوشته می‌شد. این سازمان از ابتدا تا زمان وقوع انقلاب، دو رئیس داشت که هر دوی آنها از نظامیان بودند؛ اولین آنها سپهبد مرتضی قلی‌خان یزدان‌پناه و با مرگ او در اواخر سال ۱۳۵۱، ارتشبد حسین فردوست به جانشینی او در مقام ریاست انتخاب شد. شاه به هنگام صدور فرمان تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی ابراز نمود: «به‌منظور رسیدگی به شکایات مردم از ادارات و دوائر و مأمورین دولتی اعم از کشوری، لشکری، قضائی و همچنین شهرداری‌ها و بنگاه‌های عمومی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولتست؛ لازم می‌دانیم سازمانی به نام بازرسی شاهنشاهی تشکیل شود تا به‌عرایض و شکایاتی که به‌ما می‌رسد، در اسرع اوقات رسیدگی و نتیجه را از نظر ما بگذرانند. نظر به اعتماد و اطمینانی که به‌کفایت و شایستگی تیمسار سپهبد مرتضی یزدان‌پناه داریم، مشارالیه را به‌ریاست این سازمان منصوب می‌نماییم تا تشکیلات آن را پیشنهاد و در حدود آئین‌نامه‌ای که به‌تصویب ما خواهد رسید، وظایف مقرر را انجام دهد» (اساسنامه و آئین‌نامه سازمان بازرسی شاهنشاهی، فرمان همایونی).

این سخن نشان دهنده این است که شاه همواره در این فکر بود، پاداش خدمات یزدان‌پناه را بدهد. قابل ذکر است که او در دو دوره، ریاست سازمان را بر عهده داشت؛ یک بار از زمان تأسیس تا ۱۳۴۰ ش. که دکتر امینی، سازمان را تعطیل نمود و دور دوم از ۱۳۴۷ تا اواخر ۱۳۵۱ ش. در نهایت، تا زمان مرگش ریاست سازمان را بر عهده داشت، یعنی بدون احتساب یک وقفه چند ساله، جمعاً هشت سال این منصب را در اختیار داشت.

عملکرد بازرسی شاهنشاهی در دوره اول (عصر ریاست سپهبد یزدان‌پناه)

به محض اینکه شاه، فرمان تشکیل بازرسی شاهنشاهی را صادر کرد، سازمان برای انجام وظایف خود شروع به کار نمود و طی این سال‌ها هیئت‌هایی از بازرسی به نقاط مختلف اعزام شد. این سازمان از دوره وزارت امینی تا سال ۱۳۴۷ ش. با رکود مواجه بود و رسماً وجود نداشت و در این مدت، دیگر نهادهای اطلاعاتی از جمله بازرسی کل، ساواک، ارتش و... وظایف نظارت را انجام می‌دادند. زمان فعالیت سازمان مقارن بود با دوره قدرت‌گیری پهلوی دوم و برای اطلاع از گوشه و کنار کشور و همین‌طور تأیید دستاوردهای حکومت، به‌ویژه در دههٔ چهل و انقلاب سفید، سازمان زیر نظر سپهبد یزدان‌پناه به کار پرداخت. ریاست او بر سازمان در دورهٔ اول، مقارن با نخست‌وزیری اقبال، شریف امامی، امینی، علم و منصور بود.

عملکرد سازمان بازرسی در دوره اقبال و شریف امامی

در اینجا منظور از عملکرد، در واقع هم اقدامات سازمان و هم تأثیرات این بازرسی‌ها در روند امور می‌باشد و اینکه آیا کارکرد سازمان در تحقق اهداف شاه از تأسیس آن، موفق بوده است یا خیر؟ این زمان یعنی اواخر دههٔ سی (دوره ریاست الوزرائی اقبال)، وضعیّت ادارات و قسمت‌های مختلف در سراسر کشور چندان مناسب نبود و به محض اطلاع مردم از پیدایش این دستگاه، از نقاط مختلف شکوایه‌های زیادی به مرکز فرستاده شد. مثلاً شکایت کشاورزان قریه باغداق (حوالی خوی) از مالکین آنجا (آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۸/۱۶۲۴۹ ب، شماره سند ۲۴۶۴)؛ چراکه مردم سال‌ها بود انتظار چنین سازمانی را می‌کشیدند، تا بدین‌وسیله مشکلات خود را با شاه در میان گذارند و لذا سازمان برای رسیدگی، هیئت‌هایی را که از بین افسران مطلع، کارآموده و حقوق‌دان تشکیل شده بود، به مناطق مختلف کشور گسیل داشت. میرخلف‌زاده درباره اولین هیئت‌ها ذکر نموده: «بازرسان ابتدا به استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان و سپس گرگان مسافرت نمودند و آنگاه به شهرستان‌های استان خراسان پرداختند. در اثر کوشش‌های ثمربخش و فعّالانه بازرسان هنوز یکسال از تأسیس سازمان نگذشته بود که به ۳۹ هزار نامه واصله رسیدگی شد و تعداد ۳۳۶ نفر از مأموران کشوری و لشکری پس از تحقیقات به-جرم سهل‌انگاری در کار مردم تحت تعقیب قرار گرفتند و از کار برکنار شدند. تا پایان سال

۱۳۳۹ش. چندین هیئت از مناطق شرق-شمال - جنوب و دیگر نقاط کشور بازرسی به عمل آوردند و از نزدیک با شاکیان تماس گفتند و به شکوائیه‌های آنان گوش داده و رسیدگی نمودند. بیش از ۳۹ شهرستان و ۸ بخش را به طور کامل بازرسی کردند و ۷۷۹۵ شکوائیه بررسی و در نتیجه ۵۷ نفر کارمند متخلف را تحت تعقیب قرار دادند» (میرخلفزاده، ۲۵۳۵: ۶۵-۳۶۴).

البته این گزارش را مؤلفی که چارچوب فکری عصر پهلوی می‌اندیشیده و بدون اشاره به نقائص سازمان، فقط به ذکر دستاوردها و تعریف از آن پرداخته، ارائه کرده است. ناگفته نماند گزارش‌ها و مدارکی که درباره اقدامات سازمان در این زمان در دسترس است، بیشتر راجع به نحوه عمل سازمان می‌باشد و اینکه چه اقداماتی داشته است و اشاره‌چندانی به نتیجه این بازرسی‌ها نشده است و از روی عرایضی که به این سازمان می‌رسید و در مراکز آرشویی بایگانی شده‌اند، می‌توان پی برد که این گزارش‌ها تماماً رسیدگی نمی‌شدند. در سال ۱۳۳۸ش. بازرسان به استان هفتم (فارس) اعزام شدند و گزارش مفصلی درباره نیازمندی‌ها، و مشکلات و نقایص یکی از شهرهای این استان (فیروزآباد)، در امور بهداشتی، اقتصادی، رفاهی، بیمه و کشاورزی و... تهیه نمودند (مرکز اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی ندارد، ش سند ۲۴۰/۲۷۶۷۷، صص ۱۴-۱). چنانکه از این گزارش بر می‌آید، سازمان بازرسی شاهنشاهی نقش مهمی در رسیدگی به شکایات مردم داشت؛ با این حال بعد از تهیه گزارش مشخص نیست که وضعیت مردم آنجا تغییری کرده یا خیر. این برنامه‌ها از سوی حکومت تلاشی برای حل نارسایی‌های مملکت بود. محمدرضاشاه در این باره اذعان داشت که: «یکی از موفقیتهای به دست آمده، نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا مبارزه با فساد است. در همین چند ماه اخیر که سازمان بازرسی شاهنشاهی درست شده است، تعداد زیادی از کارمندان بر اثر رسیدگی یا بازنشسته و یا از شغل خود منفصل شده‌اند» (مجموعه تألیفات...، ۲۵۳۵: ۳/۲۱۷۲).

علی‌رغم این بیانات و نظرات شاه نسبت به عملکرد سازمان، فعالیت آن نتوانست دامنه ناکارآمدی، را در دوره اقبال جمع کند. در این دوره بحرانی در دستگاه قضایی و دادگستری به وجود آمده بود که توانایی رسیدگی به پرونده‌های قضایی، شکایات، و مشکلات مردم کشور را نداشت (شاهدی، ۱۳۸۹: ۴۱۰). همچنین دولت طی اقدامات نمایشی و بی‌ثمر، دزدهای کلان را آزاد گذاشته بود و بیشتر آفتابه دزدها را تحت تعقیب قرار داده بود (مجله خواندنی‌ها، س ۲۰، ش ۴۶، شنبه ۷ اسفند ۳۸، ص ۱۱). همین‌طور سازمان یک وظیفه مشخص نداشت که گفته شود، آنرا به-

درستی انجام داده یا خیر؟ و در این سال‌ها سازمان، فعالیت‌های مختلفی داشت که در بعضی از آنها موفق و در مواردی هم اقداماتش تأثیر مثبتی نداشت.

این وضعیت وجود داشت تا آنکه شریف‌امامی روی کار آمد؛ ولی او نیز وارث وضعیت وخیم دوران قبلی بود. در این زمان اگرچه سازمان بازرسی شاهنشاهی رسماً وجود داشت و با اعزام هیئت‌هایی به مناطق مختلف سعی می‌کرد بحران را حل نماید؛ ولی وقتی که دکتر امینی بر روی کار آمد، برنامه دولت خود را مبارزه با فساد اعلام نمود. این امر نشان می‌دهد که قبل از او مشکلات هنوز برجا بودند و علی‌رغم تلاش حکومت برای حذف نابسامانی‌ها، از جمله تأسیس سازمان بازرسی شاهنشاهی؛ ولی هنوز کار اساسی و بنیادی در این زمینه انجام نشده بود. در این زمان سازمان به انجام اقداماتی پرداخت؛ مثلاً هیئت بازرسان بازرسی شاهنشاهی، برای بررسی وضعیت و گزارش نواقص کار وزارت خانه گمرک و انحصارات به استان فارس اعزام شدند (آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه ملی، شماره پرونده ۱۱۷۱/۲۹۷، صص ۹-۱). باین حال در این دوره علی‌رغم تبلیغات زیاد دولت، نه تنها زمین‌خواران، غاصبان مسکن و بورس‌بازان در تهران و شهرستان‌ها تحت تعقیب جدی قرار نمی‌گرفتند؛ بلکه تعدادشان زیادتر می‌شد و هیچ‌گاه شاکیان بر حقوق از دست رفته خود دست نمی‌یافتند (شاهدی، همان: ۳۹۰). بنابراین اعزام هیئت‌ها تأثیری در حذف آن نمی‌توانست داشته باشد، هر چند که این سازمان وظیفه خود را به خوبی ایفا می‌کرد؛ ولی مشکل آنچنان فراگیر بود که بازرسی شاهنشاهی به عنوان نهادی نه چندان گسترده - در مقایسه با ساواک و شهربانی - به تنهایی قادر به مبارزه با نارسایی‌ها نبود. به این خاطر شخص امینی، بود و نبود این سازمان را یکی می‌دانست و تعطیلی آن را خطری برای مصالح کشور نمی‌دید. در این دوران نقش و جایگاه یزدان‌پناه، در مقام ریاست سازمان بیشتر عبارت بود از اعزام هیئت‌های بازرسی به نقاط مختلف با هدف جلوگیری از نابسامانی‌ها؛ گرچه اطلاعات دقیقی از نحوه انجام کارها و تأثیر این اقدامات در دسترس نیست.

نظارت و بازرسی در زمان نخست وزیری دکتر علی امینی تا دوره هویدا

دوره نخست وزیری علی امینی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران می‌باشد. او با حمایت قاطع آمریکا روی کار آمد؛ آنها در پی جلوگیری از نفوذ کمونیسم خواهان اصلاح بودند

و فرد اصلاح طلبی همچون امینی را روی کار آوردند که برنامه مورد نظر آنها را انجام دهد (نجاتی، ۱۳۷۷: ۲۱۵/۱). از جمله حوادث این دوره انحلال سازمان بازرسی شاهنشاهی بود. توضیح آنکه در سال ۱۳۴۰ ش. که دکتر علی امینی به نخست وزیری رسید، چون یکی از برنامه‌هایش مبارزه با فساد و عناصر فاسد بود و باور داشت که این سازمان در مبارزه با این مُعضل موفق نبوده و وجود آن تحمیل هزینه‌ای بیش نیست، بازرسی را منحل کرد و فعالیت سازمان به‌دنبال اجرای برنامه صرفه‌جویی عمومی متوقف شد، این وقفه ۶ سال به طول انجامید (میرخلف‌زاده، همان: ۳۶۵). محمدرضاشاه نیز در برابر این اقدام امینی که به نوعی تحمیل شده آمریکا بود، اقدامی نکرد. در این زمان وی با کمک وزیر دادگستری نورالدین الموتی (۲) برنامه بزرگ ضد فساد را در پیش گرفت و عده بسیار زیادی از دولت‌مردان متهم به فساد را محاکمه نمود (عاقلی، همان: ۹۰۹-۹۰۰). قابل ذکر است که به این بهانه افراد زیادی به جرم فساد و اختلاس محاکمه شدند و انگیزه‌های سیاسی و اختلاف شخصی نیز در این روند بی‌تأثیر نبود. (۳)

این امر نشان می‌دهد که از تأسیس بازرسی شاهنشاهی تا این زمان (۱۳۴۰) که سه سال گذشته بود، سازمان نتوانسته بود در برخورد با عناصر فاسد و فساد به درستی عمل نماید و ریشه آنرا بخشکاند. باید یادآوری کرد که سازمان به‌طور کامل راکد نشده و در این سال‌ها در کنار بازرسان بازرسی کل کشور، به بازرسی و تهیه گزارش می‌پرداخت. مثلاً رسیدگی به شکایت عده‌ای از مردم جنوب شهر تهران از اعمال طیب حاج رضایی و وجود اسلحه نزد وی که این نامه را سپهبد مرتضی یزدان‌پناه به شهربانی فرستاد (آرشیو مرکز اسناد مرکز انقلاب اسلامی، شماره بازیابی، ۰۲۲۰۵۰۰۴، ص ۵). همچنین رسیدگی محرمانه به شکایت عده‌ای از اهالی گرگان از اداره املاک و مستغلات پهلوی که املاک زیادی از مردم منطقه را غصب کرده بودند (همان، شماره بازیابی، ۰۷۷۰۰۸۵، ص ۲) و... این موارد نشان‌دهنده آن است که سازمان پس از تأسیس، همچون مرجعی برای رسیدگی به شکایات در نظر گرفته می‌شد و در بسیاری از موارد شکایت و گزارش را به مسئولین بالا دست تحویل می‌داد.

امینی با رویه انتقادی نسبت به سوءاستفاده‌ها سعی در آرامش مردم داشت و در روزهای اول زمامداری‌اش عده زیادی از امرای ارتش را زندانی و الموتی با گروه ضد فساد قدرتمندش را به وزارت دادگستری انتخاب نمود (زرنگ، ۱۳۸۳: ۱۸۱/۲؛ آبراهامیان، همان: ۵۲۰). در واقع او به نوعی با خاندان حاکمه اختلاف داشت و این امر در بررسی موارد فساد تا حد زیادی مؤثر بود. امینی در

ابتدای نخست وزیری نطق آتشی‌نی ایراد کرد که از رادیو در سراسر کشور پخش شد و از روش دول گذشته و عملیات ساواک انتقاد کرد و در سخنرانی‌هایش برنامه دولت خود را مشخص نمود؛ از جمله از مبارزه با فساد و راه‌های دفع آن (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۰۱۷۳۸۰۳۸، ص ۳۸). او اشاره کرده بود: «کشوری با این روش اداره کردن، به هرج و مرج و نابودی کشیده می‌شود. به‌طور جدی و رسمی به این ملت اعلام می‌کنم که برنامه اصلاحی من به آن حساب‌های مخفی در بانک‌های خارجی لطمه می‌زند و کاملاً مخالف هزینه‌های درباری بود و بسیاری از آنها را منحل نمود... ملت با بحران سختی مواجه است و جرأت نمی‌کنم چیز دیگری بگویم... علی‌رغم لایحه اصلاح و نظارت‌داری‌ها و قانون از کجا آورده‌های؟ فساد به نهایت درجه رسیده...» (لاینگ، همان: ۲۹-۲۲۷).

در این دوره اگرچه سازمان بازرسی شاهنشاهی با یک وقفه مواجه شده بود و از این به بعد تا ۱۳۴۷ ش. وجود نداشت؛ ولی عملیات ضد فساد و اختلاس و سوءاستفاده در کابینه دولت امینی مورد توجه واقع بود. در این دوره زیرنظر نورالدین الموتی، پرونده‌های فراوانی که از قبل آماده شده بودند، تکمیل و مورد رسیدگی قرار گرفتند؛ همچون پرونده سوءاستفاده بنگاه برق سپهبدکیا و پرونده علوی مقدم که مربوط به شرکت واحد بود (طلوعی، ۱۳۷۶: ۸۶۲/۲). علی‌کیا از جمله چهره‌های نظامی بود که به‌علت اشتهار به فساد مالی در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۴۰ ش. بازداشت شد؛ ولی کمی بعد پرونده او تبرئه گشت (فردوست، ۱۳۸۶: ۸۹/۱-۴۸۶). شماری از سوءاستفاده‌کنندگان مالی و افراد مورد انزجاری، همچون حسین آزمون (دادستان کل ارتش که دادخواهی علیه دکتر مصدق را بر عهده گرفته بود)، نه به وسیله بازرسی شاهنشاهی؛ که به‌وسیله دادگستری، بازداشت شدند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۶۱). با این حال چند ماه بعد اوضاع تغییر کرد و این تعقیب و محاکمات محدود شد به پرونده شیلات و بسیاری از متهمین، قبل از اینکه کارشان به دادگاه برسد، تحت فشار دربار آزاد شدند و حتی پرونده شیلات چون دلیل واضحی برای اثبات جرم نداشت، بایگانی شد (طلوعی، همان: ۶۷-۸۶۶؛ الموتی، ۱۳۷۰: ۹۷/۱۱-۲۹۶). به هر حال امینی پس از ۱۴ ماه نخست-وزیری (۲۷ تیر ۱۳۴۱) از مقام خود استعفا داد و با کناره‌گیری او، بسیاری از موارد تعقیب پرونده‌های سوءاستفاده و مبارزه با فساد نیز کنار گذاشته شد.

در دوره وزارت اسدالله علم نیز مشکلات باقی بود و برنامه مبارزه با فساد و محاکمه متهمین و مقامات مظنون نیز کم و بیش ادامه داشت. او نیز برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها شورای عالی

اقتصاد، سازمان تهیه مسکن و بازرسی شاهنشاهی را منحل کرد. (۴) در این سال‌ها دیگر نهادهای حکومتی در شناسایی افراد فاسد و معرفی آنها به حکومت، دخالت می‌نمودند؛ مثلاً گزارش ضد اطلاعات لشکر گرگان درباره سوءاستفاده‌های سرلشکر مزین و شکایات مردم از او که نماینده شاه در گرگان به شمار می‌رفت و از حمایت بعضی از عناصر دربار منجمله نصیری برخوردار بود (فردوست، ۱۳۸۶: ۵۰۱/۱-۴۹۷). بنابراین در اوایل دهه ۱۳۴۰ ش. که با ناآرامی‌ها و تغییرات گسترده‌ای در عرصه سیاست داخلی و خارجی کشور همراه بود، سازمان دوره رکود و وقفه خود را سپری می‌کرد و این روند تا اواخر این دهه ادامه یافت. درباره کم و کیف فعالیت سازمان در این سال‌ها چیز زیادی دانسته نیست.

استعفای یزدان پناه از ریاست بازرسی شاهنشاهی

از جمله حوادث دوره ریاست‌الوزرای علم، استعفای سپهبد یزدان پناه، اولین رئیس بازرسی شاهنشاهی بود. توضیح آنکه در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و حوادثی که بعد از آن به بازداشت امام خمینی (ره) انجامید، حسین علاء، وزیر دربار، به دولت علم به‌خاطر سخت‌گیری بر مردم و روحانیت انتقاد کرد. شرح این ماجرا را ماروین زونیس در کتاب *نخبگان سیاسی ایران*، ذکر و به مغضوب شدن علاء و همفکران او اشاره کرده است. از جمله آنان مرتضی‌خان یزدان پناه بود که گفته بود شدت عمل به کسانی که تنها کارشان، اعتراض به دستگیری یک رهبر مذهبی است، به صلاح اعلیحضرت نیست و در ملاقات با شاه او را نصیحت کرد و لذا شاه آنها را که از نخبگان برجسته هم بودند از کار برکنار کرد و یزدان پناه از ریاست سازمان بازرسی استعفا داد (Zonis, 1971: 63-66). باید گفت زونیس، یزدان پناه را جزء نخبگان سیاسی عصر پهلوی به‌شمار آورده؛ ولی کاتوزیان او را در زمره شخصیت‌های عمومی دانسته است (Katouzian, 2003: 129). در واقع او تنها یک بار مورد غضب شاه قرار گرفت، آن هم وقتی که شاه تصمیم گرفت رجال قدیمی را به تدریج تضعیف کند و هر یک را به بهانه‌ای کنار گذاشت.

در آن زمان سپهبد یزدان پناه به عنوان رئیس بازرسی شاهنشاهی مأمور بود که تحقیقات وسیعی، درباره فساد و ناکارآمدی ادارات انجام دهد و خودش هم که ادعای فداکاری نسبت به شاه و عشق به وطن داشت، با آنها همگام شد. او مأمور شده بود برای این سران دلسوز وقت ملاقات

بگیرد و علت ملاقات را نیز به شاه گفت. شاه از او و آن عده، بسیار عصبانی شد و گفت: «حالا کار شما به جایی رسیده که می‌خواهید به من نصیحت کنید. روز بعد حسین علا از وزارت دربار و هدایت از ریاست ستاد معزول شدند و یزدان‌پناه نیز مدت‌ها مغضوب شاه بود؛ اما به زودی در سلک همراهان و نزدیکان او درآمد» (بهزادی، ۱۳۷۵: ۲۳۸).

بنابراین سازمان با یک وقفه مواجه شد و این روند تا سال ۱۳۴۷ ش. که دوباره بازرسی شاهنشاهی دایر شد، ادامه پیدا نمود. او برای اثبات قدرت خود تصمیم گرفت یک‌بار دیگر سازمان را احیاء کند و به فرمان شاه مجدداً یزدان‌پناه به ریاست آن انتخاب شد (سفری، ۱۳۷۷: ۱۳/۳-۱۱۲). بنابراین در این زمان که محمدرضاشاه مجدداً قدرت را قبضه نموده بود، جهت مبارزه با مخالفان داخلی، کشف توطئه‌های احتمالی و نظارت هرچه بیشتر اوضاع و همین‌طور فراهم کردن مسیر تحقق اهداف و بلندپروازی‌هایش و... تصمیم به تشکیل مجدد سازمان گرفت. بنابراین در سال‌های بعد از اجرای برنامه انقلاب سفید، وضعیتی بر کشور حاکم شده بود که محمدرضاشاه وجود بازرسی شاهنشاهی را برای کنترل بیشتر جامعه و اشراف بر مسائل داخلی ضروری می‌دانست. با توجه به سابقه خدمت یزدان‌پناه به خاندان پهلوی، دوباره او را به خدمت گرفته و به ریاست سازمان انتخاب کرد.

بازرسی در عصر وزارت هویدا (احیای بازرسی شاهنشاهی = تأسیس مجدد)

در سال‌های اول نخست وزیری هویدا، بازرسی شاهنشاهی، دوره انحلال خود را سپری می‌کرد و این سازمان عملاً وجود نداشت، تا آنکه در اوایل سال ۱۳۴۷ ش. دوباره تأسیس شد و تا اواخر عمر رژیم به حیات خود ادامه داد؛ در این دوره ۱۰ ساله نیز اقدامات گوناگون و متعددی انجام داد. گرچه شرایط سیاسی- اجتماعی کشور در دهه سی با دهه چهل (زمان تأسیس مجدد سازمان) متفاوت بود؛ ولی با بررسی روند تأسیس سازمان بازرسی در این دو مقطع، مشخص می‌شود که هدف اصلی حکومت وجود مکانیسمی برای نظارت و بازرسی بر ادارات و افراد متنفذ و مهم‌تر، مداخله در دیگر نهادهای کنترل‌گر بوده است.

در دهه سی کودتای ۲۸ مرداد شرایطی به‌وجود آورده بود که رژیم جهت کنترل و نظارت بیشتر بر جامعه و جلوگیری از فساد بازرسی شاهنشاهی را ایجاد کرد و در دهه چهل برای اطلاع از

نتایج انقلاب سفید، این سازمان را به وجود آورد. در دوره اول حیات سازمان، هیئت‌های بازرسی بیشتر به بررسی احتیاجات و شکایات مردم و نظارت بر ادارات و مدیران می‌پرداختند؛ ولی در مرحله بعد (بعد از تأسیس مجدد در سال ۱۳۴۷ ش.)، بازرسان به بررسی دستاورد و نتیجه پیشرفت‌ها و برنامه‌های شاه توجه داشتند. در دوره اول ضرورت وجود نهادی فراتر از دیگر مراکز امنیتی که بر آنها نظارت داشته باشد و همین‌طور لزوم مبارزه با فساد و ناکارآمدی در جامعه، نقش زیادی در تأسیس بازرسی شاهنشاهی داشت. در مرحله بعد یعنی نیمه دوم ۱۳۴۰ ش. لزوم نظارت بر اجرای برنامه انقلاب سفید و تلاش برای آگاهی از دستاوردهای این برنامه و همچنین ارائه گزارش‌های مختلف از تهران و دیگر استان‌ها و شناسایی بیشتر مسائل داخلی مملکت محمدرضا شاه را ترغیب نمود که فرمان تأسیس مجدد سازمان بازرسی شاهنشاهی را صادر کند. بنابراین اهداف و رسالت بازرسی شاهنشاهی در هر دو مرحله نظارت بر امور داخلی و ایجاد کانالی برای کنترل دیگر ادارات و رسیدگی به شکایات و جلوگیری از فساد بود.

این سازمان بعد از تأسیس مجدد تا سال ۱۳۵۰ رویه‌ای معتدل داشت و کارش اعزام بازرسانی به نقاط مختلف کشور برای ارائه آمارگیری از وضعیت آنها بود (عاقلی، همان: ۳۸-۳۷). با احیاء این سازمان، طبق طرح وزارت دادگستری و به موجب قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱، اداره کل بازرسی کشور به اداره کل بازرسی وزارت دادگستری تبدیل شد. بنابراین بازرسی و نظارت دادگستری، به واحدهای قضایی خود دادگستری تبدیل و نظارت بر جریان امور در دیگر ادارات و بازرسی و نحوه عمل مأموران و کارکنان سازمان‌های دولتی بر عهده بازرسی شاهنشاهی گذاشته شد. (زرنگ، همان: ۲۰۵/۲). چنانکه مشاهده می‌شود، بازرسی شاهنشاهی در دوره دوم از وزارت دادگستری جدا و به عنوان یک نهاد مستقل شناخته شد. در ماده ۱ لایحه تأسیس سازمان، انگیزه تأسیس مجدد سازمان چنین معرفی شده است: «به منظور رسیدگی به شکایات مردم از کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و سازمان‌های انتفاعی و بازرگانی وابسته به دولت و سازمان‌های انتظامی (شهربانی کل کشور و ژاندارمری کل کشور) و شهرداری‌ها در صورت انتصابی بودن شهردار و مؤسسات عام‌المنفعه و کلیه سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحاء بر آنها نظارت می‌نماید، سازمانی به نام بازرسی شاهنشاهی تحت نظارت عالی شاهنشاهی تشکیل می‌شود» (لوح فشرده مجموعه قوانین حق، قانون تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی مصوب ۳۱ اردیبهشت ۴۷).

بنابراین سعی بر آن بود که از این سازمان بالاترین بهره تبلیغاتی در عدالت‌خواهی شاه برده شود و همچون دوره اول بر مسئله رسیدگی به شکایات و لزوم وجود مکانیسمی برای پاسخگویی به شاکیان از افراد و ادارات، تأکید می‌شد. قابل ذکر است که سازمان بازرسی شاهنشاهی در دوره دوم برخلاف دوره اول، مبنای قانونی داشت؛ یعنی به تصویب مجلس رسیده بود که این یکی از تفاوت‌های اساسی دو دوره بود. در این دوره نیز همچون دوره اول، ریاست سازمان با توجه به اعتمادی که شاه به وفاداری مرتضی یزدان پناه داشت، همچنان بر عهده او گذاشته شد و تا آخر عمر خود در سال ۱۳۵۱ ش. بر این منصب باقی ماند. بنابراین با توجه به نقش کلیدی ریاست سازمان و تأثیری که می‌توانست بر نحوه کار سازمان داشته باشد، محمدرضا شاه مجدداً یزدان پناه را به این منصب گماشت.

عملکرد سازمان در دوره دوم ریاست یزدان پناه

با تصویب این لایحه سازمان بازرسی شروع به کار کرد. این بار طبق قانون تمام وظایف بازرسی کل کشور به علاوه بازرسی سیستماتیک از نهادهای دولتی و خصوصی و رسیدگی به شکایات کلیه اتباع ایرانی و خارجی شاکی از اتباع ایرانی، به بازرسی شاهنشاهی محول شده بود (فردوست، همان: ۶۵۳). این سازمان پس از تأسیس مجدد، همواره به‌عنوان مرجعی برای رسیدگی به شکایات به حساب می‌آمد؛ در خرداد ماه ۱۳۴۷ نام‌های از طرف یکی از زندانیان سیاسی (غلامرضا قائم) که به اتهام شرکت در وقایع ۱۵ خرداد ۴۲ محبوس شده بود، به یزدان پناه رسید که اظهار بی‌گناهی کرده و از او تقاضا نموده بود که برای آزادی او نامه را به شاه برساند (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۰۲۴۰۹۰۲۲، ص ۳۴). یک سال بعد از آنکه سازمان شروع به کار نمود، آئین‌نامه طرز اجرای بازرسی در تاریخ ۱۳/۱۱/۱۳۴۸ ش. بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۳/۱/۵۲۵۶ مورخ ۹/۱۰/۴۸ به تصویب هیئت وزیران رسید (آرشیو مرکز اسناد و کتابخانه ملی، شماره بازیابی ۳۴۰/۶۲۱۳، صص ۵-۱). این سند در دو فصل (رسیدگی به شکایات و نحوه بازرسی از استان‌ها) شامل ۳۶ ماده است که نحوه بازرسی و چگونگی عملکرد بازرسان را مشخص کرده بود. همچنین در این تاریخ آئین‌نامه تشکیلات و وظایف قسمت‌های مختلف سازمان در ۲۲ ماده تصویب شد. طبق ماده ۲ آئین‌نامه فوق، هر کس می‌تواند شکایت خود را علیه کارکنان ارسال و یا

تسلیم نماید. ماده ۳ تأکید داشت که شکایات باید مستدل باشند و کتباً نوشته شوند (همان، آئین نامه طرز اجرای بازرسی و تشکیلات و وظایف و قانون تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی، شماره سند ۳۶۰/۶۰۵؛ ۲۹۳/۶۵۰۳۰، صص ۴-۱). این تدابیر نشان دهنده این است که رژیم و شاه برای جلوگیری از تکرار حوادث مربوط به دوره قبلی سازمان، هم قانون آن به تصویب رسید و هم آئین-نامه تشکیلات و وظایف سازمان تنظیم شد. بنابراین این بار با جدیت برخورد کردند و اهمیت بیشتری به سازمان دادند و البته با وجود این تدابیر و تغییرات، وقتی کارنامه سازمان بررسی شود، می‌توان دریافت که سازمان همان اقدامات دوره اول (اعزام بازرسانی به مناطق مختلف و تهیه گزارش و رساندن آن به نزد مقامات) را انجام می‌داد و در بسیاری از موارد بازرسان، بیشتر شرح دستاوردهای حکومت و به‌ویژه دهه بعد از انقلاب سفید و نتایج آن در مناطق مختلف را مخابره می‌کردند و سازمان از مداخله در امر اختلاس و فساد مقامات خودداری کرد و این روند تا زمان ریاست فردوست بر سازمان به تأخیر افتاد.

براساس آئین‌نامه اجرائی، اقدام به اعزام هیئت‌های بازرسی به استان‌های مختلف نمود. قبل از اعزام هیئت‌ها، نام‌های به مقصد فرستاده می‌شد و خبر اعزام هیئت‌ها را به اطلاع مسئولان می‌رساندند. وقتی هیئتی به محلی اعزام می‌شد، در ساختمانی جداگانه به بررسی اوضاع می‌پرداخت و آماده بود برای شنیدن شکایات مردم و در نهایت پس از انجام بازرسی صورت کار را گزارش و با امضای رئیس هیئت (هر هیئتی یک رئیس داشت که با نظر رئیس سازمان بازرسی انتخاب می‌شد و معمولاً از افراد مورد اطمینان و به‌خصوص از نظامیان بود) تنظیم و به رئیس سازمان ارائه می‌شد و او نیز پس از بررسی، گزارش را به مقام بالاتر (رئیس مجلس سنا و یا وزیر دربار، دفتر ویژه اطلاعات) تقدیم می‌کرد و بدین وسیله روند بازرسی انجام می‌شد.

اعزام این هیئت‌ها علاوه بر رسیدگی به شکایات و ارائه گزارش از قسمت‌های مختلف ادارات در استان‌های مختلف، بررسی و آگاهی از دستاوردهای انقلاب سفید بود. در این دوره شکایاتی نیز به این سازمان ارائه می‌شد؛ مثلاً شکایت سرلشکر خسروانی، سرپرست سازمان تربیت بدنی از احمد شهبازی یکی از کارمندان سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالمه، در نتیجه پیگیری آن و بررسی سوابق این فرد، او از مقامش برکنار شد (همان: شماره بازبایی ندارد، شماره سند ۱۲۸۵/۳/۲۹۳، صص ۱۱). با تأسیس مجدد، هم‌چون دور اول اگر کسی از اداره و یا مدیر و فرد متنفذ محلی شاکی بود، عریضه خود را به این سازمان ارسال می‌کرد. در اواخر دهه چهل، شاه برای اطلاع از

دستاوردهای انقلاب سفید- که شاه به آن بسیار امید داشت- گروه‌های زیادی از بازرسان را با این هدف اعزام نمود؛ مثلاً در سال ۱۳۴۹ ش. هیئتی از بازرسی به ریاست سرلشکر کاتوزیان، برای بررسی وضعیت شهرستان شوشتر در استان خوزستان اعزام شدند و گزارش این سفر را به سازمان تحویل دادند (آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازبایی ندارد، شماره سند ۳۲۰/۲۶۶۲۶).

در زمینه اعزام هیئت‌های بازرسی به نقاط مختلف، سال ۱۳۵۰ در واقع بیشترین هیئت‌ها به استان‌های کشور فرستاده شد؛ در این سال هیئت بازرسی به ریاست سرلشکر فرجادی، به استان همدان اعزام شد که درباره وضعیت استان، گزارش‌های مفصلی تهیه شد (همان: شماره سند ۳۲۰/۲۰/۱/۱۸۷۱). همین‌طور این هیئت در همین سال به استان لرستان اعزام شد (همان، شماره سند ۳۲۰/۱۹/۱/۱۹۵۳، صص ۷-۱). از دیگر استان‌های مقصد هیئت بازرسی شاهنشاهی، سمنان بود که ریاست این هیئت را سرلشکر حسین هاشمی حائری بر عهده داشت (همان، شماره بازبایی ندارد، شماره سند ۱۰۱/۱۳/۴۰۹۱). استان کرمانشاهان، نیز در این سال میهمان یکی از هیئت‌های بازرسی به ریاست سرتیپ کافی، بود (همان، شماره بازبایی ندارد، شماره سند ۱۰۱/۳۸۶۵۱). ایلام و کهگیلویه و یزد نیز به وسیله هیئت بازرسان سازمان بررسی شدند که ریاست این هیئت‌ها را سرتیپ مهاجر ایروانی و سرلشکر آریا و سرلشکر نقدی بر عهده داشتند (همان، شماره بازبایی ۳۲۰/۱۳/۸۳۸/۳۱۳۸، شماره سند ۳۲۰/۱۶/۷۳۹۸). در اواخر سال ۱۳۵۰ نیز هیئت بازرسی به ریاست سرلشکر علیرضا قریب، به استان سیستان و بلوچستان اعزام شدند (همان، شماره بازبایی ندارد، شماره سند ۳۲۰/۱۱/۷۶۳۲). فارس، خوزستان و کردستان نیز در این سال مورد بازدید بازرسان این سازمان قرار گرفتند. نکته مهم آنکه شاه به همراه هر هیئت یک نماینده مطبوعاتی فرستاده می‌شد که اخبار را انعکاس دهد. بنابراین در اواخر دهه چهل او برای اطلاع از نتایج انقلاب سفید و اینکه چه تأثیری در روند امور داشته، دستور به اعزام نمایندگان گرفت و اکثر استان‌ها بازرسی شدند.

با این وجود اینکه نتیجه گزارش این هیئت‌ها و اعزام بازرسان چه بود، در میان منابع اشاره چندانی نشده که بعد از تهیه و ارسال گزارش (یکی از وظایف سازمان)، برای آن چه تدابیری اندیشیده می‌شد و اصولاً کار سازمان بعد از تهیه آمار و گزارش از نقاط مختلف کشور، انجام شده بود. واقعیت این است که محمدرضا شاه به برنامه انقلاب سفید، همچون علت‌العلل پیشرفت کشور

می‌نگریست و بعد از اجرای این برنامه، می‌خواست از نتایج مثبت آن مطلع شود. نکته بسیار مهم، آنکه در اکثر این گزارش‌ها، بیشتر به نتایج مثبت و پیشرفت انقلاب سفید اشاره و ترقیاتی که در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی، آموزشی و... به وجود آمده بود، گزارش می‌شد. با مطالعه این گزارش‌ها می‌توان دریافت که پس از انجام بازرسی، رؤسای هیئت‌ها- که تماماً از بین نظامیان عالی‌رتبه بودند- گزارش کار خود را به رئیس بازرسی شاهنشاهی ارائه می‌دادند. در این دست به دست شدن‌ها، امکان اینکه گزارش دستکاری شود، همواره وجود داشت. درباره نتیجه این گزارش‌ها سندی مشاهده نشده؛ که آیا مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند یا خیر؛ ولی بسیاری از شاهدان اشاراتی کرده‌اند که بیشتر این گزارش‌ها بایگانی می‌شدند. سفری اذعان داشته: «داریوش همایون، مدیر آیندگان مرا به رئیس سازمان بازرسی معرفی نموده و بعد از ملاقات با یزدان‌پناه به همراه هیئتی به کرمان اعزام شدم. اولین شهر مورد بازرسی رفسنجان بود. کرمان استانی محروم بود... مردم آنجا می‌خواستند به ما نزدیک شوند تا درد دل خود را بگویند که ژاندارم‌ها مانع نزدیکی می‌شدند... زنی با ما صحبت کرد و از کشاورزانی بود که اربابش او را از زمین‌هایش اخراج کرده بود... فرماندار قبلاً به من گفته بود که متأسفانه امواج انقلاب به کرمان نرسیده است و فئودال‌ها همچنان خودسر و مستقل اند...» (سفری، همان: ۲۱۴).

این گزارش را که یکی از روزنامه‌نگاران همراه هیئت ارائه کرده است، نشان دهنده ناکارآمدی سازمان است و اینکه موانعی بر سر کار آن وجود داشت. انتشار این مطالب بدست رادیو مسکو بهانه داد که حملاتی علیه رژیم شاه بکند و لذا خیلی سریع یزدان‌پناه (رئیس سازمان) سفری را احضار نمود و او مستقیماً با دفتر رئیس در تهران می‌رود و یزدان‌پناه اعتراض دارد که با این مطالب مملکت را به هم ریختی و اعلیحضرت ناراحت شده‌اند. وقتی سفری اسناد، تصاویر و گزارش‌های خود را به او نشان داد و او آنها را برای شاه فرستاد، گفتند که نباید بهانه بدست دشمن داد. کمی بعد کارهایی انجام شد؛ از جمله جلوگیری از کار کودکان زیر ۱۲ سال، احضار کارفرمایان قالی به تهران، بستن کارگاه‌های بزرگ (همان: ۲۲-۲۱۹). در این سال‌ها کسی جرأت نمی‌کرد آنچه را در کشور می‌گذرد، به شاه بگوید و اگر هم می‌گفت با واکنش تند روبرو می‌شد. در واقع شاه می‌خواست فقط از خدمات او گفته شود و لذا در چنین شرایطی جایی برای ارائه آمار دقیق و اطلاع از واقعیات به او، وجود نداشت. در دوره نخست وزیری هویدا مسئولان چیزی را به شاه می‌گفتند که باعث ناراحتی خاطر مبارک اعلیحضرت نگردد، اگرچه استثنائاتی هم وجود داشتند. علم

ابراز کرده: «دستگاه‌های اطلاعاتی ساواک، بازرسی شاهنشاهی، دفتر ویژه و... جرأت بازگو کردن همه حقایق را نداشتند در حالی که شاه فکر می‌کرد از طریق این نهادها از تمام جریانات کشور آگاه است. گزارش‌هایی را به او می‌دادند که باعث خشنودی او می‌شد و...» (عَلَم، ۱۳۷۱ الف: ۱/۱۱۸).

او در جای دیگر ابراز نموده: «روزی در سر میز شام با حضور یزدان‌پناه، رئیس سازمان بازرسی شاهنشاهی، صحبت از این شد که چون مراجعات به این سازمان و تعداد شکایات کم شده است، پس مردم راضی هستند و من به شوخی گفتم شاید دیدند اثری ندارد، عریض‌های نمی‌دهند، نه شاه و نه یزدان‌پناه خوششان نیامد...». (عَلَم، ۱۳۷۱ ب: ۳۷۶)

این گزارش‌ها را یکی از درباریان بسیار نزدیک به شاه نوشته و با توجه به رقابتی که بین مقامات وجود داشت، شاید تا حد زیادی صحت داشته باشد. بنابراین سازمان بازرسی شاهنشاهی در دور دوم ریاست یزدان‌پناه، نیز همچون دور اول، کارایی و برآیند چندان مؤثری نداشت. سازمان به فعالیت پرداخت و مسائل زیادی را مطرح و گزارش نمود؛ ولی از این منظر، همچنانکه گفته شد، چون به این گزارش‌ها رسیدگی نمی‌شد و اکثر آنها بیگانی می‌شد، بازرسی شاهنشاهی دستاورد و نتیجه درخشانی از خود به جا نگذاشت و پهلوی دوم از طریق این سازمان نتوانست راه را برای تحقق آرمان‌ها و ایجاد تمدن بزرگ در کشور هموار نماید و عملکرد آن منجر به تشویش امر «آمارگیری و کسب اطلاعات» شد. ارائه گزارش‌های متعدد از اوضاع کشور اگرچه جهت سلامتی نهاد دولت و حُسن مدیریت لازم بود؛ ولی وقتی به کل این گزارش‌ها رسیدگی نمی‌شد، نتیجه‌های جزء افزورن بر مشغله کشور نداشت و اگرچه خوش‌بینی مفرطی (هم بین مردم و هم بین سران حکومت) نسبت به این دستگاه وجود داشت، به گواهی اسناد و عرایض روزافزون مردم، سازمان نتوانست با مشکلات برخورد کند و معضلاتی همچون ظلم و ستم متنفذان محلی به مردم، سوءاستفاده و اختلاس و کارشکنی مقامات کشوری، فساد رایج در کشور و... را از بین ببرد.

نتیجه

پهلوی دوم برای نظارت همه‌جانبه بر کشور، به‌ویژه در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش. در تلاش بود و از جمله اقدامات او در این راستا ایجاد سازمان بازرسی شاهنشاهی می‌باشد. این سازمان در طول عمر تقریباً ده ساله خود در عصر اول، با توجه به وسعت اختیارات و

وظایف محوله، اقدامات زیادی انجام داد و گزارش‌های بسیاری تهیه کرد (مجموعه این کارکردها و وظایف و نتایج آنها در این مقاله عملکرد نامیده شده است) که امروزه بصورت داده‌های خام در مراکز معتبر و کتابخانه‌ها بایگانی هستند و بازخوانی آنها می‌تواند کمک زیادی به واکاوی تاریخ عصر پهلوی دوم نماید. این سازمان زیر نظر مستقیم محمدرضا شاه بود و لذا باید فردی که کاملاً مورد اعتماد بود، در رأس آن قرار گیرد، این بود که ریاست را ابتدا به مرتضی یزدان‌پناه و در دوره دوم حیات (۱۳۵۷-۱۳۵۱ش)، به حسین فردوست واگذار کرد.

بازرسی شاهنشاهی به‌عنوان یکی از نهادهای اطلاعاتی و امنیتی، در دوره اول عمر خود، با اینکه اختیارات زیادی داشت و هم مرجعی برای رسیدگی به شکایات بوده و هم کانالی برای نظارت بر دیگر نهادهای اطلاعاتی کشور، همین‌طور راهی برای کنترل جامعه و شناسایی فساد و ناکارآمدی ادارات، با این حال از امکانات، تشکیلات و وسعت دیگر سازمان‌های دولتی همچون ساواک برخوردار نبود و اگرچه در بسیاری از موارد به وظیفه خود که بیشتر همان گردآوری اطلاعات و ارائه آمار و گزارش آنها بود، عمل می‌کرد؛ ولی از این منظر که در ساختار حکومت پهلوی دوم زمینه برای بررسی تمام گزارش‌ها وجود نداشت. در واقع بسیاری از گزارش‌ها قبل از آنکه به شخص شاه برسد، بایگانی و بسته می‌شدند. عملکرد سازمان بازرسی شاهنشاهی نمی‌توانست تأثیر زیادی در بهبود شرایط داشته باشد؛ لذا نهاد بازرسی در تاریخ پهلوی دوم، نهادی آسیب‌پذیر و ناکارآمد بود و بررسی این مسأله خود موضوع کار دیگری است. در تشکیلات بازرسی و اطلاعاتی این دوره فردی تحلیل‌گر که در این رشته تخصص داشته باشد و گزارش‌ها را با هم تبادل نماید، وجود نداشت و خود محمدرضا شاه هم علی‌رغم تعدد کانال‌های اطلاعاتی به این مسائل اشراف نداشت؛ به‌ویژه در دو دهه پایانی رژیم که سیاست خارجی و مسأله روابط دیپلماتیکی بر سیاست‌های داخلی سایه انداخته بود. اگرچه در بین اسناد مورد بررسی قرار گرفته، موردی که انتقاد از سازمان بازرسی باشد، کمتر دیده شده؛ اما به‌طور ضمنی می‌توان به مواردی که ناکارآمدی سازمان را نشان می‌دهد - به‌ویژه وجود حجم بسیار وسیع شکایات - پی‌برد. همین‌طور اگر رژیم واقعاً آنطور که ادعای اصلاحات را داشت و به آن عمل می‌کرد، پس چرا در جریان ناآرامی‌های انقلاب سال ۵۷ اکثر شهرها شرکت فعال داشتند؟ منظور این نیست که این مسأله عدم رسیدگی مسبب انقلاب بود؛ اما قدمسلم اینکه این امر یکی از علل مهم نارضایتی مردم از حکومت پهلوی بود. نهایتاً سازمان بازرسی شاهنشاهی نتوانست آنطور که شاه امیدوار بود و در مقام نظر و عالم

تبلیغات به تعریف و تمجید از دستاوردهای آن می‌پرداخت، عمل نماید و آن ترس درونی شاه از شخصیت‌های حقیقی و حقوقی متنفذ را از بین نبرد، در مقابل تأسیس آن بر پیچیدگی و تعدد نهادهای کنترل‌گر افزود و وجود آن در کنار دیگر مکانیسم‌ها تحمیل هزینه اضافی بر کشور بوده و سازمان نتوانست چشم و گوش شاه باشد؛ شکل‌گیری کمیسیون شاهنشاهی در اواخر عمر رژیم زیر نظر نصرت‌الله معینیان، که واکنشی به ضعف ساختار داخلی بود، نیز گواهی بر این مدعاست.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- «چشم و گوش» شاه‌سازمانی بوده که منتسب به داریوش یکم هخامنشی می‌باشد و در عصر پهلوی در راستای باستانگرایی و به تقلید از ایران باستان، سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی را چشم و گوش می‌خواندند. در آن زمان نیز امور و اقدامات ساتراپ‌ها زیر نظر مأموران چشم و گوش شاه قرار داشت و شاه به وسیله‌ی آنها از ولایات مطلع می‌شد. او با نظارت مالیاتی، رعیت را از استثمار ساتراپ‌ها در امان نگه می‌داشت. حفظ این نظارت به یک شبکه منظم نیاز داشت که به وسیله‌ی چشم و گوش شاه تأمین می‌شد (عبدالحسین زرین‌کوب. تاریخ مردم ایران (قبل از اسلام)، ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱، ص ۱۵۱).
- ۲- او یکی از اعضای سابق حزب توده بود که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ش.، از افکار خود برگشت.
- ۳- در این مورد می‌توانید ر.ک به ابوالحسن ابته‌هاج، خاطرات، بکوشش علیرضا عروسی، ج ۲، ۱۳۷۵، تهران: علمی.
- ۴- قابل ذکر است که در عصر وزارت امینی، با هدف جلوگیری از حیف و میل اموال دولتی و کاهش مخارج دربار نیز فعالیت سازمان تعطیل شده بود.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۹) *ایران بین دو انقلاب*، چاپ هفدهم، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- الموتی، مصطفی (۱۳۷۰) *ایران در عصر پهلوی*، ج ۱، چاپ اول، لندن: پکا.
- _____ (۱۳۶۹) *ایران عصر پهلوی (رضاشاه در تبعید)*، ج ۲، چاپ اول، لندن: پکا.
- بهبودی، سلیمان (۱۳۷۲) *رضاشاه: خاطرات سلیمان بهبودی*، شمس پهلوی و علی ایزدی، به کوشش، غلامحسین میرزا صالح، چاپ اول، تهران، طرح نو.
- بهزادی، علی (۱۳۷۵) *شبه خاطرات*، ج ۳، چاپ اول، تهران: قیام.
- خامه‌ای، انور (۱۳۷۲) *خاطرات سیاسی: پنجاه و سه نفر از انشعاب تا کودتا*، چاپ اول، تهران: گفتار.
- زرنگ، محمد (۱۳۸۳) *تحول نظام قضایی ایران*، ج ۲، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱) *تاریخ مردم ایران (قبل از اسلام)*، ج ۱، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- سفری، محمدعلی (۱۳۷۷) *قلم و سیاست: از هویدا تا شریف امامی*، ج ۳، چاپ اول، تهران: نامک.
- شاهدی، مظفر (۱۳۸۹) *افول مشروطیت (زندگینامه دکتر اقبال)*، چاپ اول، تهران: مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- شهبازی، علی (۱۳۷۷) *خدمتگذار تخت طاووس: خاطرات علی شهبازی*، چاپ اول، تهران: اهل قلم.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۶) *بازیگران عصر پهلوی (از فروغی تا فردوست)*، ج ۲، چاپ چهارم، تهران: نشر علم.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۴) *نخست وزیران ایران*، چاپ اول، تهران: جاویدان
- عَلَم، اسدالله (۱۳۷۱/الف) *یادداشت‌های عَلَم، ویرایش و مقدمه علینقی عالیخانی*، ج ۱، چاپ اول، تهران: کتاب سرا.
- _____ (۱۳۷۱/ب) *گفتگوهای من با شاه*، ج ۱، چاپ دوم، تهران: طرح نو.

- غنی، سیروس (۱۳۷۷) ایران: برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، چاپ اول، ترجمه حسن کامشاد، تهران: نیلوفر.
- فاروقی، احمد و لورویه، ژان (۱۳۵۸) ایران بر ضد شاه، ترجمه مهدی نراقی، تهران: امیرکبیر.
- فردوست، حسین (۱۳۸۶) ظهور و سقوط سلطنت پهلوی (خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست)، ج ۱، ویرایش عبدالله شهبازی، ج ۱، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- فرخ، مهدی (۱۳۴۷) خاطرات سیاسی فرخ، تهران، امیرکبیر.
- فوران، جان (۱۳۸۸) مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۲) اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا انقلاب، چاپ اول، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشرمرکز.
- کرونین، استفانی (۱۳۸۷) رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، چاپ اول، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: جامی.
- لاینگ، مارگارت (۱۳۷۱) مصاحبه با شاه، چاپ اول، ترجمه اردشیر روشنگر، تهران: البرز.
- میرخلف‌زاده، حسین (۲۵۳۵) سیری در تاریخ شاهنشاهی ایران، چاپ اول، تهران: اقبال.
- مجموعه تألیفات، نطق‌ها، پیام‌ها، مصاحبه‌ها و بیانات اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی آریا مهرشاهنشاه ایران، (۲۵۳۵)، ج ۳، چاپ اول، چاپخانه کتابخانه پهلوی.
- مرکز اسناد انقلاب (۱۳۷۸) رجال عصر پهلوی، ج ۹، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷) تاریخ بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، ج ۱، چاپ اول، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- هلیدی، فرد (۱۳۵۸) دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، چاپ اول، ترجمه فضل‌الله نیک‌آئین، تهران: امیرکبیر.

اسناد و قوانین:

آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۰۲۲۰۹۰۲۴.

همان، شماره سند ۰۱۷۳۸۰۳۸.

همان، شماره سند ۰۲۲۰۵۰۰۴، ص ۵.

- همان، شماره سند ۰۷۷۰۰۸۵، ص ۲.
- آرشیو مرکز اسناد کتابخانه ملی، شماره سند ۲۶۰/۶۰۵.
- همان، شماره سند ۲۹۳/۶۵۰۳۰.
- همان، شماره سند ۲۹۳/۳/۱۲۸۵، ص ۱۱.
- همان، گزارش هیئت بازرسی شاهنشاهی از وضعیت استان فارس (شهر فیروزآباد)، شماره بازایی ندارد، شماره سند ۲۴۰/۲۷۶۷۷، صص ۱-۱۴.
- همان، شماره بازایی ندارد، شماره سند ۴۰۹/۹/۱، صص ۱-۸.
- همان، شماره سند ۲۹۷/۱۱۷۱۱، صص ۱-۹.
- همان، شماره بازایی ندارد، شماره سند ۳۴۰/۶۲۱۳، صص ۱-۵.
- همان، ش بازایی ندارد، شماره سند ۲۹۳/۲۷۰۱.
- آرشیو مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره بازایی ۳۲۰/۶/۴/۲۶۶۲.
- همان، شماره سند ۳۲۰/۲۰/۱/۱۸۷۱.
- همان، شماره سند ۲/۸۵۲۰ و ۳/۹۸۲۰.
- همان، شماره سند ۸/۱۶۲۴۹ ب، شماره سند ۲۴۶۴.
- همان، گزارش سازمان بازرسی مربوط به استان لرستان، شماره سند ۳۲۰/۱۹/۱/۱۹۵۳، صص ۷-۱.
- همان، شماره بازایی ۱۰۱/۱۳/۴۰۹۱.
- همان، شماره بازایی ۱۰۱/۱۳/۳۸۶۵۱.
- همان، شماره بازایی ۳۲۰/۱۳/۸۳۸/۳۱۳۸، شماره سند ۳۲۰/۱۶/۷۳۹۸.
- همان، شماره سند ۳۲۰/۱۱/۷۶۳۲.
- مجله خواندنی‌ها، س ۲۰، ش ۴۶، شنبه ۷ اسفند ۳۸، ص ۱۱.
- همان، سال ۳، شماره ۶، ص ۷.
- روزنامه اطلاعات، سال سی و سوم، شماره ۹۷۴۳، چهارشنبه، ۳۰/۴/۳۷، ص ۱.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، اظهارات آقای خلعتبری، دوره ۱۹، جلسه ۲۶۹، ص ۲۶۹.
- اساسنامه و آئین‌نامه سازمان بازرسی شاهنشاهی، بی جا، بی نا، ۱۳۳۹.
- لوح فشرده مجموعه قوانین مجلس شورای ملی (لوح حق)، قانون تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی مصوب ۳۱ اردیبهشت ۴۷:

منابع انگلیسی:

Atabaki, Tourajand J.Zurche, Erik, 2004.Men of Order:Authoritarian Modernization under Ataturk and Reza Shah, NewYork.

Katouzian, Homa, (2003).Iranian History and politics, London, New Yourk; Routledge Curzon.

Zonis Marvin, (1971).The political elite of Iran, Princeton University press.